

## پیش‌خوانی

حاشیه‌ای بر انتشار زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله سیدرضی‌الدین شیرازی

صاحب انفاس قدسیه

■ دکتر مهدی محقق



من – به‌عللی که در کتاب محقق‌نامه آمده است – در سال ۱۳۲۳ دبیرستان را ترک‌گفتم و به‌حوزه علمیه مروی پیوستم. در این‌زمان که چند سالی از شهریور ۱۳۲۰ گذشته و دوران «آری‌العلم قَدْ غَطَّت علی‌الأقوال واستوطن‌الافاضل زوایا‌الخمول» سپری‌شده‌بود، شور و شغفی برای تحصیل‌علوم‌حوزوی، به‌ویژه در نسل‌جوان‌دیده می‌شد، زیرا در دوران پیش‌هزاران‌تن‌به‌طلیگی و حوزه‌های‌علمیه‌روی‌آورده‌بودند که کوشش‌های خود را ناتمام می‌دیدند و این‌تجدید‌حیات‌برای آنان روح تازه‌ای به‌وجود آورده‌بود، از جمله در حوزه‌علمیه‌مشهد همچون استاد‌اصول‌فقه‌ما، شیخ‌محمدرضا‌تربایی‌خان‌رودی و استاد‌دیگر ما در منطق، شیخ‌حسین‌وحیدی (آیت‌الله‌العظمی‌وحید‌خراسانی) و در حوزه‌علمیه‌قم همچون شهید مرتضی‌مطهری و حاج‌شیخ‌لطف‌الله‌صافی (آیت‌الله‌الطغی‌صافی‌گلبایگانی) و همچنین جوانندگان‌علم از شهرهای‌دیگر. در مدرسه مروی جنب و جوش زاندا‌الوصفی‌وجود داشت، زیرا استادان‌مبیزی همچون میرزا محمدباقر آشتیانی در آنجا به تدریس کفایه‌الاصول، آخوند محمدکاظم‌خراسانی و سیدعباس‌آیت‌الله‌زاده به قوانین‌الاصول میرزای‌قمی و فراند‌الاصول شیخ مرتضی‌انصاری اشتغال داشتند. در پانزدهمین‌سال از بهار زندگی‌بودم که در محضر سیدهادی ورامینی – که اصلا‌هل‌اورازان‌مطلقان بود – به‌خواندن‌صرف و نحو ابتدایی از کتاب جامع‌المقدمات اشتغال داشتم. پس از طی‌مراحل ابتدایی به مدرسه‌سپهسالار قدیم راه یافتم و به درس میرزا مهدی آشتیانی استاد بی‌بدیل فلسفه و حکمت‌متعالیه راه یافتم و آن‌مرحوم در مدرسه‌برایم شهریه و اتاقی معین فرمود. در این دو مدرسه با طلاب جوانی آشنا شدم که هر یک در همت به تحصیل‌حوزوی مؤثر بودند. از جمله سیدمحمدرضا‌علوی‌تهرانی، حاج‌آقا مصطفی‌محمدتقی‌املی و برخی دیگر که درس استاد سید شاه‌بادی، از جمله شیخ محمدحسین که در محضر آقا فانی را وداع گفت و شیخ نصرالله و شیخ نورالله که با برخی از ایشان در درس استاد شیخ محمدتقی‌املی و برخی دیگر که درس استاد سید محمدکاظم‌عصار‌تهرانی‌مدرس و هم‌مباحثه بودم. در مدرسه سپهسالار قدیم استاد بزرگ ما شیخ محمدعلی مدرس تبریزی وجود داشت که من فقه، حدیث و درایه را نزد او آموختم. او هر چند ترک‌زبان بود، ولی فرهنگ‌های متعددی به نام نوبهار، بهارستان، نگارستان و قاموس‌المعارف را تألیف کرده بود که می‌توان او را از خادمان زبان و ادب فارسی در عصر حاضر به‌شمار آورد.

در چنین فضای علمی پرشوری به طلبه جوانی بر خوردم که در مدرسه مروی به بحث و فصح اشتغال داشت و آقا سیدرضی شیرازی که جلالت ناصیه او پیدا بود، از همان زمان آثار بزرگی در شرح و مکتسب در او جمع شده بود، بعدها مدرس کهنظیر حوزه علمیه تهران شد. این مرد شریف که امامت‌جماعت مسجد شفا دیوسف‌آباد تهران را به عهده دارد هیچ‌گاه درس، بحث و تدریس را کنار نگذاشته و به امور و مشاغل دنیوی نپرداخته است، چنانکه طلاب فراوانی در دهه‌های اخیر از وجود مبارکشان در فقه، اصول و فلسفه برخوردار بوده‌اند و در حقیقت می‌توان ایشان را چند تن انگشت‌شمار دیگر را در عصر حاضر به بقیه‌المضاین و شمال‌الباقین‌ملقب‌ساخت. ایشان با وجود کبر سن به تدریس اشتغال دارند و در ضمن مردم‌عادی را از انفاس قدسیه خود بهره‌مند می‌سازند.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بر خود لازم می‌دانست به پاس خدمات صادقانه این عزیز به علم و دین مراسم بزرگداشتی برای ایشان بر پا دارد تا شاگردان و ارادتمندان این وجود مبارک محامد و مناقب او را بازگو کنند و از خاندان متعال سلامتی و دوام فعالیت‌های ایشان را خواستار شوند. بمنه تعالی و کرمه.

## سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۷۳

■ شهاب‌الدین شهریابی فراهانی – محمد شهری‌کیارودی

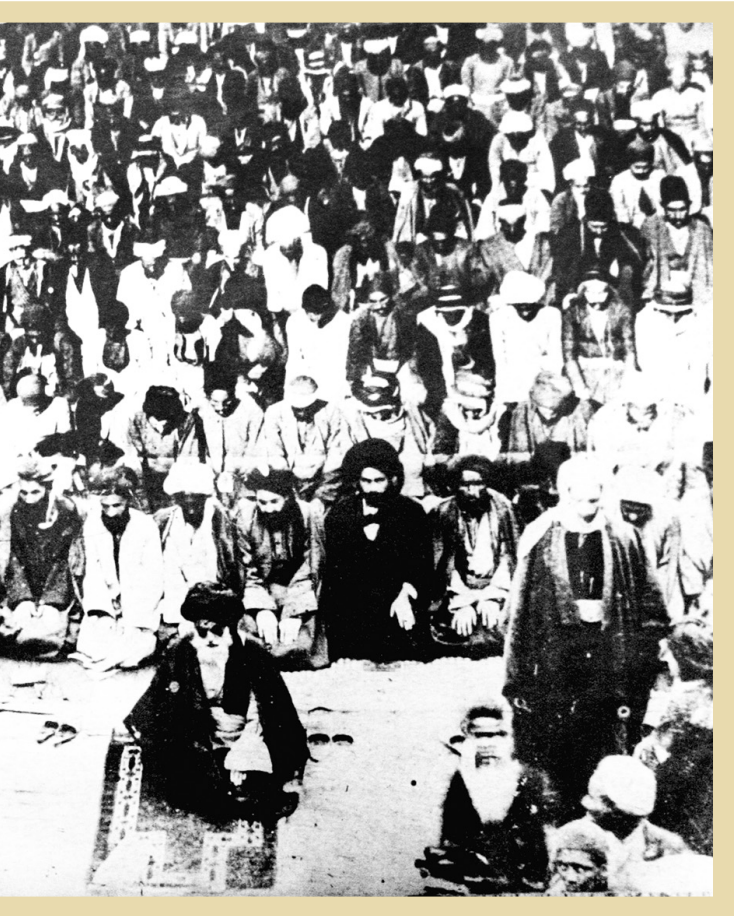
خدا را شاکرم که به اینجانب توفیق داد تا بتوانم به اندازه بضاعت اندک خویش در بزرگداشت نام نامی و ذکر سامی سیدنا‌الاستاد‌فقیه‌الفلاسفه و فیلسوف‌الفقها، جامع‌المنقول‌و‌المعقول حضرت آیت‌الله سیدرضی شیرازی «آدام‌الله‌ایام‌افاضته» سپه‌پیش‌باشم. شاید از این طریق بتوانم بخشی از معشار محبت‌های بی‌دریششان را در مدت هفت سال استفاده از محضرشان جبران کنم. گرچه این حقیر به قصور خود در این باب اعتراف دارد و همواره این شعر حافظ را با خود زمزمه می‌کند: *ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه توست*

■ خضوع میرزای شیرازی در برابر مقام علمی شیخ انصاری

۱- از مرحوم حاج آقا روح‌الله خامنی اردکانی، امام جمعه یزد شنیدم که از آقا سیدعلی نجف‌آبادی ساکن اصفهان که از علمای تراز اول بود نقل می‌فرمود: «مطالب و آرای آقا میرزا محمدتقی شیرازی از مطالب آخوند‌خراسانی و آقا سیدمحمدکاظم یزدی به شیخ انصاری نزدیکی‌تر است. این سه شخصیت هر سه به مکاتب شیخ حاشیه زده‌اند، ولی حواشی آقا میرزا محمدتقی به مبانی شیخ نزدیک‌تر است و حواشی آن دو بیشتر فاصله دارد.»

مرحوم آقا‌ی سیدعلی نجف‌آبادی فرموده است: «منشأ این تفاوت این است که میرزا محمدتقی شیرازی از شاگردان دوره‌سأمرای میرزای شیرازی بوده است و مرحوم آخوند خراسانی و آقا سیدمحمدکاظم یزدی هر دو شاگردان دوره نجف میرزای بزرگ بوده‌اند. هنگامی که میرزا در سال ۱۲۹۱ق به سامرا می‌آیند، اینها همراهی و به‌سامرا مهاجرت نمی‌کنند. بنابراین تنها شاگرد دوره نجف میرزای شیرازی بوده‌اند. میرزای بزرگ اوایل امر و مناقشات بر آرای شیخ داشته‌اند، ولی در این اواخر از این مناقشات برمی‌گردد و با شیخ موافق یا نظرش بر نظرات شیخ نزدیک می‌شود. در نتیجه میرزا محمدتقی شیرازی که دوره‌اخیر درس میرزای شیرازی بزرگ را درک کرده نظریاتش به مبانی شیخ نزدیک‌تر است. بر خلاف آخوند خراسانی و آقا سیدمحمدکاظم یزدی که تنها جزو اصحاب نجف بوده‌اند و در دوره‌اخیر و دوره تکامل میرزای بزرگ که دوره عدول از مبانی سابق و موافقت با آرای شیخ بود، در درس میرزا حاضر نبوده‌اند.»

این مطلب را برای آقا‌ی آقارضی شیرازی از علمای بزرگ تهران و نتیجه میرزای شیرازی نقل کردم. ایشان فرمود: «میرزا مسئله‌ای را بحث و در پایان هفته آن را تمام می‌کرد و برخلاف شیخ نظر می‌داد، ولی روز شنبه که قرار بود بحث جدیدی را آغاز کند، می‌فرمود ما برخلاف نظر شیخ نظر داده بودیم، ولی حالا می‌بینیم نمی‌شود از مطالب شیخ عدول کرد. به شاگردان می‌فرمود شما شیخ را درک نکرده‌اید. سر و کارتان تنها با کتاب‌های شیخ است. ما حیات شیخ را هم درک کرده‌ایم و می‌دانیم شیخ کسی نیست که بتوان به راحتی از نظریاتش گذشت.»<sup>(۱)</sup>



«میرزای شیرازی و تعامل وی با رویدادهای فرهنگی و سیاسی عصر خویش» در آینه منقولاتی از آیت‌الله سیدرضی‌الدین شیرازی

# استقلال ایران شیعی باید حفظ شود

عِرضِ خود می‌بری و زحمت ما می‌داری ولی به حکم اینکه «ما لا یدرک کله»، لایترک کله»، مطالبی را در این باب گردآوری و تقدیم حضور خوانندگان گرامی می‌کنم. آنچه پیش‌رو دارد، شامل دو بخش است: بخش اول گردآوری مطالبی است که رجالی بزرگ و مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی «دام‌ظله» در کتاب شریف و مستطاب «جرعه‌ای از دریا» از قول حضرت استاد نقل کرده‌اند یا به‌نحوی در باره ایشان است که اینجانب با ذکر دقیق صفحه و جلد مطالب مورد نظر را در این نوشته نقل کرده‌ام. گفتنی است کتاب «جرعه‌ای از دریا» – که تاکنون سه جلد آن انتشار یافته است – فاقد

■ ناراحتی میرزا پس از تحریم تنباکو

۲- از آقا‌ی آقارضی شیرازی شنیدم میرزا پس از حکم تحریم تنباکو ناراحت بود و می‌گفت: «ما یک پادشاه شیعی در مقابل عثمانی داشتیم، ولی مجبور به اقدام شدیم و او را تضعیف کردیم.» ایشان دلش نمی‌خواست شاه شیعه تضعیف شود و معتقد بود ممکن است اگر تضعیف شود، عثمانی کشور شیعی

■ ایرانی را بیلعد

۳- مرحوم اسید علی خداایشان می‌گفت آقا‌ی حاج آقارضی شیرازی به منزل ما وارد شده بود. افراد وقتی به منزل ما می‌آمدند و می‌خواستم آقارضی را به آنها معرفی کنم، برای مزاح می‌گفتم: «ایشان نوه کسی است که حلال خدا را حرام کرد.»<sup>(۱)</sup>

۴- آقا‌ی آقارضی شیرازی که از علمای تراز اول تهران است، از اشخایبه‌الدین نوری وایشان هم از شیخ عبدالنبی نوری نقل کرد که ایشان گفت در موقعی که سیدجمال به اسلامبول تبعید شده بود، سیدجمال به سامرا آمد و بر آقای نائینی وارد شد و او‌ادار کنیند ناصرالدین شاه را تکفیر و از سلطنت عزل کند.» علت اینکه سیدجمال این درخواست را از شیخ عبدالنبی کرد، این بود که شیخ عبدالنبی از شاگردان فاضل میرزا و نزدی‌مقرب بود. شیخ عبدالنبی به سیدجمال گفت: «اگر شاه ساقط شود، چه کسی به جای او به سلطنت برسد؟» سیدجمال گفت: «من!» شیخ عبدالنبی گفت: «این کار به پشتیبان نیاز دارد. پشتیبان تو کیست؟»

سیدجمال گفت: «سلطان‌الحمید!» شیخ عبدالنبی می‌گفت من قبول نکردم و با سیدجمال بحث کردم. بعداً که شیخ عبدالنبی خدمت میرزا رسید و ماجرا را برای میرزا بازگو کرد، میرزا فرمود: «اگر به سیدجمال جواب مثبت داده بودی اجازه نمی‌دادم پیشم بیایی.»<sup>(۲)</sup>

فهرست اعلام بود و ناشر محترم آن یعنی مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، تدوین فهرست‌های راهنما را به پایان آخرین جلدی که از این اثر چاپ‌خواهد شد، موقوف کرده است. به همین دلیل راقم هم سطور با تفحص در اکثر مطالب این کتاب نکات موردنظر را که بالغ بر ۱۰ مورد می‌شود در اینجا نقل کرده است. در بخش دوم این نوشتار نیز مطلبی در که مرحوم آیت‌الله سیدمحمدحسین حسینی‌تهرانی در برخی از آثار خود از قول حضرت استاد نقل کرده است متذکر می‌شویم. اینک بخش اول این نوشتار را که همان نقل قول‌های حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی از حضرت‌استاد با مطالب مرتبش با ایشان است را از نظر می‌گذرانیم.

■ تحریم حلال خدا

۱- مرحوم اسید علی خداایشان می‌گفت آقا‌ی حاج آقارضی شیرازی به منزل ما وارد شده بود. افراد وقتی به منزل ما می‌آمدند و می‌خواستم آقارضی را به آنها معرفی کنم، برای مزاح می‌گفتم: «ایشان نوه کسی است که حلال خدا را حرام کرد.»<sup>(۱)</sup>

■ رد پیشنهاد سیدجمال

۴- آقا‌ی آقارضی شیرازی که از علمای تراز اول تهران است، از اشخایبه‌الدین نوری وایشان هم از شیخ عبدالنبی نوری نقل کرد که ایشان گفت در موقعی که سیدجمال به اسلامبول تبعید شده بود، سیدجمال به سامرا آمد و بر آقای نائینی شیرازی وارد شد و او‌ادار کنیند ناصرالدین شاه را تکفیر و از سلطنت عزل کند.» علت اینکه سیدجمال این درخواست را از شیخ عبدالنبی کرد، این بود که شیخ عبدالنبی از شاگردان فاضل میرزا و نزدی‌مقرب بود. شیخ عبدالنبی به سیدجمال گفت: «اگر شاه ساقط شود، چه کسی به جای او به سلطنت برسد؟» سیدجمال گفت: «من!» شیخ عبدالنبی گفت: «این کار به پشتیبان نیاز دارد. پشتیبان تو کیست؟»

■ عدم ملاقات میرزا با سیدجمال

۵- آقا‌ی آقارضی شیرازی نقل کرد آقا نجفی، داماد میرزای نائینی می‌گفت با خط سیدجمال آشنا بودم، چون قبلاً با آقای نائینی نامه‌نگاری داشت و خط سیدجمال را نزد ایشان دیده بودم. یک وقت سیدجمال به سامرا آمد و بر آقای نائینی وارد شد جزئیات یادم نیست که در آن موقع آقای نائینی حجره داشت یا در منزل بود. سیدجمال اصرار می‌کرد آقای نائینی اسباب ملاقات و ی با میرزای شیرازی را فراهم کند. سیدجمال چند روز ماند، ولی آقای نائینی نمی‌توانست کاری کند. سرانجام میرزای شیرازی می‌فرماید: او آدم خاصی است و اجازه نمی‌دهد سیدجمال با ایشان ملاقات کند.



تصویری از نماز جماعت پرشکوه آیت‌الله‌العظمی میرزا حسن شیرازی به گفته آیت‌الله‌سیدرضی شیرازی این تصویر به دستور ناصرالدین شاه قاجار و توسط عکاسی او گرفته شده است

آیت‌الله شبیری زنجانی: از آقا‌ی آقا رضی شیرازی شنیدم میرزا پس از حکم تحریم تنباکو ناراحت بود و می‌گفت: «ما یک پادشاه شیعی در مقابل عثمانی داشتیم، ولی مجبور به اقدام شدیم و او را تضعیف کردیم.» ایشان دلش نمی‌خواست شاه شیعه تضعیف شود و معتقد بود ممکن است اگر تضعیف شود، عثمانی کشور شیعی ایرانی را بیلعد

منتها شخصی مدعی بود با مقدمات شنیدنی ملاقات واقع شد، ولی حرفش نادرست بود و ملاقات درباره شخص دیگری غیر از سیدجمال بوده است.<sup>(۲)</sup>

■ مصرف سهم امام برای آشیخ محمد حسین اصفهانی

۶- آقا‌ی آقارضی شیرازی می‌گفت جد ما (مرحوم حاج میرزا علی آقا پسر میرزای بزرگ) مطلقاً سهم امام را مصرف نمی‌کرد، بلکه از سهم سادات مصرف می‌کرد. اگر سهم امام به دستش می‌رسید، به معدودی از اشخاص می‌داد. حاج میرزا علی آقا خیلی محترم بود و همه مراجع در مقابلش خضوع می‌کردند، حتی مرحوم آخوند خراسانی که استاد یا در طبقه استاد و در حکم پدری وی بود، وقتی که مقام اول مرجعیت را داشت او را جلو می‌انداخت و به او خیلی احترام می‌گذاشت.

آقا‌ی آقا سیدعلی خلخالی نقل می‌کرد: در جلسه‌ای که حاج میرزا علی آقا و آقا‌ی سیدابوالحسن بودند، وقتی از جلسه بیرون می‌آیند، کفش حاج میرزا علی آقا گم می‌شود، اسیدابوالحسن می‌گشت تا کفش حاج میرزا علی آقا را پیدا کند. بزرگان این‌گونه ایشان را احترام می‌کردند. حاج میرزا علی آقا با این جایگاه چون در مصرف سهم امام خیلی سختگیر بود، مرجعیتش عمومی‌نشد.

آقا‌ی آقارضی شیرازی می‌گفت جد ما، مرحوم حاج میرزا علی آقا بنا وجود احتیاط در مصرف سهم امام، اگر سهم امام به دستش می‌رسید،

نجف بود. طبقه او بر طبقه آسید عبدالهادی شیرازی مقدم بود و از آقا‌ی آقارضی شیرازی شنیدم که اسید عبدالهادی در سامرا نزد آشیخ محمدکاظم درس خوانده بود – احتمالاً رسائل و مکاسب – و استاد چون دیده بود شاگردش خیلی با استعداد است، به او گفته بود به نجف برود. بعداً هم خیلی با هم مانوس بودند. شاگرد مشترک اسید عبدالهادی و آشیخ محمدکاظم آقا‌ی آشیخ محمدحسین کلباسی – از آقایان اخیر قم که در قم ساکن شده بودند و در همین شهر هم وفات کردند – اسید عبدالهادی را بر آشیخ محمدکاظم ترجیح می‌داد.<sup>(۱)</sup>

■ تواضع فوق‌العاده

۹- آقا‌ی شیخ کاظم شیرازی عالم درجه اول بود و علاوه بر مقام علمی از نظر تواضع فوق‌العاده بود. از آقا‌ی آقارضی شیرازی شنیدم آقا‌ی آقا شیخ کاظم با اینکه با حاج آقا حسین قمی هم‌تراز بود،<sup>(۲)</sup> در روز عید یا غیر عید دست حاج آقا حسین را بوسید. برخی به ایشان اعتراض کردند چرا با این مقام دست حاج آقا حسین را بوسیدید؟ آشیخ کاظم فرمود چه اشکالی دارد؟ آیا ایشان مجتهد و عالم نیست؟ متقی نیست؟ میرمد نیست؟ رفیق نیست؟ این کار چه اشکالی دارد؟ غیر از هوای نفس رادع دیگری برای این کار نمی‌بینم.<sup>(۳)</sup>

■ پیشنهاد امامت جماعت

۱۰- آقا‌ی بروجردی به یک معنا استاد شیخ آقا بزرگ‌تهرانی هم بود. از آقا‌ی آقارضی شیرازی شنیدم که از آقا‌ی بروجردی نقل کرد موقعی که درس آخوند را تقریر می‌کردم، یکی از افرادی که در تقریر شرکت می‌کرد، آقا‌ی آشیخ آقا بزرگ بود. با وجود این وقتی آشیخ آقا بزرگ به قم آمد، آقا‌ی بروجردی به ایشان پیشنهاد کرد به جایش اقامه جماعت کند.<sup>(۴)</sup>

در بخش دوم این نوشتار همانطور که گفتیم، مطلبی را که مرحوم آیت‌الله سیدمحمدحسین حسینی‌تهرانی از قبول حضرت استاد نقل کرده‌اند، بیان می‌کنیم:

الف) مرحوم آیت‌الله‌تهرانی در کتاب «روح مجرد» به مناسبتی در باره رواج علوم تفسیری و فلسفه در حوزه‌های علمیه قدیم شیعه بحث می‌کند و می‌نویسد: «شسی مرحوم آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی در مجلس خلوت تأسف می‌خورد که چون برای تحصیل به نجف وارد شدیم، ۱۲ حوزه رسمی تدریس اخلاق و عرفان وجود داشت و الان یکی هم وجود



آیت‌الله شبیری زنجانی: آقا‌ی

بروجردی به یک معنا استاد شیخ آقا بزرگ‌تهرانی هم بود. از آقا‌ی آقا رضی شیرازی شنیدم که از آقا‌ی بروجردی نقل کرد موقعی که درس آخوند را تقریر می‌کردم، یکی از افرادی که در تقریرم شرکت می‌کرد، آقا‌ی آشیخ آقا بزرگ بود. با وجود این وقتی آشیخ آقا بزرگ به قم آمد، آقا‌ی بروجردی به ایشان پیشنهاد کرد به جایش اقامه جماعت کند. این علامت تواضع آن بزرگوار بود

ندارد. باری این حوزه‌ها تا انقلاب مشروطیت گرم اباحت قرآنی، تفسیری، اخلاقی، عرفانی، حکمی و فلسفی بودند. در این حال استعمار کافر سعی کرد تا اولاً نجف را از پایگاه علمی و فقهی بودن بیندازد و حوزه‌ها را متفرقا به جاهای دیگر نقل دهد و ثانیاً تدریس قرآن، تفسیر و علوم عقلیه و فلسفیه را از حوزه‌های شیعه براندازد تا علمای آنان را همچون اشاعره عالمه، اخباریون و حشویون ظاهرگرا و بدون مغز و محتوا بنماید تا در برابر آنان کسی نبایستد و قیام نکند و قدرت بحث، تکفیر و مسائل عقلیه و علمی در حوزه‌ها پایین بیاید و با نقشه‌ها و دسیاس مزورانه قاتق‌شد. امروزه در نجف اشرف بحث تفسیر قرآن، حکمت، فلسفه و عرفان به کلی از بیخ ریشه‌کن شده است و علمای اعلام و فضلاء عظام تدریس آنها را مایه پستی و حقارت می‌دانند و ننگ تلقی می‌کنند. مرحوم آیت‌الله شیخ مرتضی مطهری از قول حضرت آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی «دامت برکاته» برای حقیر نقل کرد در یکی از سفرهای اخیر به عتبات عالیات به یکی از مراجع عظام مشهور و معروف<sup>(۱)</sup> گفتم چرا در تفسیرش را در حوزه شروع نمی‌کنید؟ گفت با موقعیت و وضیت فعلی ما امکان ندارد. من – منظور حضرت آیت‌الله سیدرضی شیرازی است – گفتم چرا برای علامه طباطبایی امکان داشت در حوزه علمیه قم آن را رسمی کند؟ گفت او توضیح خود را (رفا) کرد. این مطلب را در اینجا آوردم تا شما را آگاهانیت به این موضوعات باشد. است و علمای عظام و فضلاء فخام باید پیشگام در توضیح باشند. و گر نه حوزه‌های ما چه فرق می‌کند با حوزه‌های عامه از حنابله، شافعیه، مالکیه و احناف که بدون اتکا به ولایت خود را سرگرم به اباحت و مسائلی کرده‌اند!<sup>(۲)</sup>

\* *بی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ جوان» موجودند.*